

روسیه در سوریه و پیامدهای آن بر اسرائیل

نویسنده: عاموس یادلین*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۶

ترجمه: عارف بیژن**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

فاطمه محمود زاده***

فهیمة محمود زاده****

۱۱۹

چکیده

ورود و ایستادگی روسیه در سوریه، آغازگر دورانی جدید، به خصوص برای رژیم صهیونیستی اسرائیل بود. گمان و اشتیاق اسرائیلی‌ها این بود که بعد از درهم شکستن ارتش‌های لبنان، اردن، کرانه باختری و غزه، ارتش سوریه هم به تاریخ پیوندد و بدین ترتیب ارتش اسرائیل به بازیگری یگانه و ممتاز بدل شود. این آرزوی اسرائیل تا حدود زیادی تحقق یافت و اکنون سه گروه از مخالفین اسرائیل (ارتش آزاد، سلفی‌های رادیکال و ارتش بشار اسد) همدیگر را مورد شدیدترین حمله قرار داده و فرسوده‌اند. مقاله حاضر با تشریح اقدامات روسیه در سوریه، پیامدهای این بازی استراتژیک بر موقعیت اسرائیل را تشریح کرده است.

واژگان کلیدی: سیستم‌های نظامی پیشرفته، حزب‌الله، ریسک استراتژیک، مداخله محدود، کنترل تنش

* سرلشگر بازنشسته، مدیر اجرایی INSS

Aref.bijan@gmail.com

** پژوهشگر حوزه اوراسیا و کارشناس موسسه پژوهش‌های علمی سیاسی ندا

Fatememahmoudzadeh83@gmail.com

*** کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه دانشگاه آزاد شهر رضا

**** کارشناس مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه زند شیراز

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۳۸-۱۱۹.

◆ آمریکاشناسی . اسرائیل‌شناسی

دخالت مستقیم نظامی روسیه در سوریه در آخرین ماه‌های ۲۰۱۵ و ماه‌های اولیه ۲۰۱۶ نشانه‌ای بود که نشان دهد نیروی نظامی می‌تواند تاثیرگذار باشد و علاوه بر آن، اثبات کرد که راهبرد عقلی، بهترین انعکاس را در ترکیب درست قدرت نظامی و فرآیندهای سیاسی دارد. عملیات نظامی روسیه در سوریه در طول پاییز ۲۰۱۵، رژیم اسد را از سقوط نجات داد، توازن قدرت در سوریه ایجاد کرد، و بر پویایی‌های (وضعیت میدانی در سوریه) تاثیر گذاشت بدین‌منظور که آتش‌بس و گفت‌وگوی دیپلماتیک را پی‌گیری کند. برای اطمینان، حضور روسیه در سوریه در روزهای پایانی سپتامبر ۲۰۱۵ هنگامی که رییس‌جمهور ولادیمیر پوتین اعلام کرد که در حال تقویت نیروی نظامی خود در سوریه بنابر دعوت رییس‌جمهور بشار اسد، برای کمک به «رژیم مشروع» در این کشور بود، آغاز شد. به این ترتیب، این مشارکت، در اواسط مارس ۲۰۱۶، زمانی که پوتین پایان عملیات نظامی و عقب‌نشینی نیروهای روسی از سوریه را اعلام کرد، پایان نیافت. چندین دهه است که حضور روسیه در سوریه ادامه دارد و از زمانی که حافظ اسد هدایت دولت را به عهده گرفت تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر رهبری هر دو کشور ادامه داشت. روسیه جایگاه خود را در سوریه در سایه معاملات تسلیحاتی یا گسترش پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه، عدم حضور مشاوران نظامی و نمایندگان سازمان‌های اطلاعاتی و همچنین بخشش بدهی سوریه به اتحاد جماهیر شوروی از سوی روسیه حفظ می‌کرد. روسیه، سوریه را به‌عنوان آخرین پایگاه باثبات و قابل اعتماد راهبردی خود در خاورمیانه پس از از دست دادن متحدان سنتی خود، مصر و پس از آن، عراق و لیبی می‌دید.

روسیه تحت رهبری پوتین، با محاسبه خطرات، از ضعف جهانی ایالات متحده در دهه گذشته سوءاستفاده کرد و برای توسعه منافع حیاتی خود در اروپا و خاورمیانه، و به‌منظور تغییر موقعیت خود به‌عنوان قدرت جهانی رفتار کرد. روسیه، دخالت خود در جنگ داخلی سوریه با آغاز جنگ را رد کرد اما از همان ابتدا، مشاوران روسی در میان نیروهای رزمی سوریه شروع به کار کردند. مهم‌تر از آن، روسیه وزن سیاسی خود را در عرصه بین‌المللی اداره کرد و از قدرت وتوی خود برای جلوگیری از احتمال اقدامات علیه رژیم بشار اسد و محکومیت سازمان‌های بین‌المللی استفاده کرد

و نیز، نقشی کلیدی در دستیابی به توافق برای خلع سلاح رژیم اسد از سلاح‌های شیمیایی ایفا کرده است. این اقدامات برای روسیه به یک «بازیگر وتو» در سوریه تبدیل شده است که به موجب آن، رضایت روسیه برای همه راه‌حل‌های پیشنهادی لازم بود.

در اواخر سپتامبر ۲۰۱۵، حدود یک هفته پیش از اینکه روسیه برنامه‌های خود را برای افزایش مشارکت در سوریه اعلام کند، چنین گزارش کرد که روسیه در حال حاضر، در ماه‌های پیشین، واحدهای ویژه‌ای را در خاک سوریه مستقر کرده است!

۱۲۱

واحدهای SVR (اطلاعات خارجی) برای محافظت از دارایی‌های روسیه در صورت سقوط اسد مستقر شدند و واحدهای GRU (اطلاعات نظامی) برای همکاری با پرسنل امنیتی سوریه منتقل شدند. در تابستان ۲۰۱۵، هواپیماهای بدون سرنشین روسیه در حریم هوایی سوریه پرواز کردند و در اوایل سپتامبر ۲۰۱۵، روسیه حتی اعلام کرد که فرودگاه لاذقیه و پایگاه‌های مجاور را برای آماده کردن نیروهای روسی گسترش داده است. چندی پس از آن، هواپیماهای باربری نظامی سنگین روسیه در فرودگاه فرود آمد و صدها نفر از سربازان برای حفظ پایگاه و آماده‌سازی آن برای ورود جنگنده‌های فنسر SU-24، جنگنده SU-25 جنگنده SU-30، چندمنظوره فلانکر و بالگردهای متعدد Ka-52 فرستاده شدند. در یک گفت‌وگوی تلفنی در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵، کمتر از دو هفته پیش از اعلام روسیه از دخالت نظامی خود در سوریه، وزیر دفاع روسیه سرگئی شویگو، به وزیر دفاع آمریکا، اشتون کارتر، اطمینان داد که اقدامات روسیه کاملاً دفاعی است.

تضمین روسیه، به‌طور کامل قابل اعتماد نبود و در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، در یک حرکت شگفت‌انگیز، رییس‌جمهور ولادیمیر پوتین اعلام کرد که نیروهای نظامی روسیه توسط رژیم مشروع در سوریه برای کمک به او در مبارزه با تروریست‌ها دعوت شده‌اند. نظر به دخالت عمیق روسیه در جنگ داخلی سوریه، هردوی آنها به اخبار عمومی و درگیری پس از آن، پیداست که روسیه، خودش را به عنوان نیروی متجاوز نمی‌داند. تا آنجا که بحث شد، روسیه بخشی از نیروی خارجی مشروع درگیر در جنگ سوریه است. از نظر روسیه، آنها پیرو دعوت رسمی دولت سوریه و پس از دریافت تصویب پارلمان روسیه، نیروهایشان را تقویت کرده‌اند.

اهداف مداخله روسیه

به‌رغم اعلام صریح پوتین که اهداف مداخله نظامی روسیه را مبارزه با گروه‌های تروریستی افراطی اسلامی دانست، برخلاف دیدگاه غالب که روس برای نجات رژیم اسد آمده بود، به‌محض بررسی نقشه حملات روسیه، به‌نظر می‌رسد که مبارزه با دولت اسلامی به‌ویژه در مراحل اولیه مبارزات، اولویت پایین‌تر او بوده است، روسی‌ها اهداف مهم‌تری از دخالتشان در جنگ داشتند.

به‌نظر می‌رسد که هدف اولیه پشت این افزایش دخالت روسیه در سوریه، تغییر موقعیت روسیه به‌عنوان قدرت جهانی بوده است. برای پوتین، جایگاه مهم روسیه در بازی جهانی توسط غرب از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ملاحظه بزرگ‌ترین فاجعه قرن بیستم، ناراحت‌کننده بود. برای مسکو، حضور روسیه در منطقه خاورمیانه در درجه اول به بازگرداندن روسیه به جایگاه مناسب خود در جهان است. از طریق مداخله متمرکز و مصمم خود در سوریه، روسیه نشان داد که یک بازیگر کلیدی است که دخالتش برای حل و فصل مسائل بین‌المللی ضروری است. غرب که برای بیش از چهار سال به‌طور پیوسته برای حل مشکل در سوریه شکست خورده بود، در حال حاضر مجبور به درنظر گرفتن موقعیت روسیه با دقت بیشتر و وارد کردن مسکو در حل و فصل این بحران بود.

دومین هدف دخالت روسیه، بهره‌گیری از موضوع سوریه به‌عنوان یک اهرم نفوذ به منظور حل مشکلات در دیگر عرصه‌ها و به‌طور کلی اروپا و به‌ویژه اوکراین بود. حضور روسیه در سوریه به‌معنی اعمال فشار بر غرب برای رفع تحریم‌های تحمیلی توسط ایالات متحده و اروپا به‌دنبال اعمال روسیه در اوکراین بود. ضمناً، روسیه احتمالاً توافق‌نامه‌ای با غرب به امضا می‌رساند که از یک سو ادامه نفوذ روسیه در اوکراین را ضمانت می‌کند و حقانیتش برای الحاق کریمه را میسر می‌کند، درحالی‌که از سوی دیگر، روس‌ها را مجبور می‌کند تا به افزایش تقاضاهای غرب در ترتیبات آینده سوریه کمک کند. یک توافق ممکن این‌چنینی، دخالت روسیه در آرایش دولت سوریه می‌باشد که نیازهای تمامی بازیگران درگیر را ترکیب خواهد کرد.

چنین معامله‌ای، امنیت اقلیت علوی و نقش آن در آینده دولت سوریه را تضمین می‌کند، اما در همان زمان، موقعیت غرب و مخالفان اسد که حذف اسد، کلید موفقیت در مبارزه با دولت اسلامی است را قبول می‌کند. به عبارت دیگر، مسکو، اسد را به میز مذاکره به‌عنوان ابزاری برای

ساخت یک نظم جهانی که بیشتر در خدمت منافع روسیه است، می‌کشاند.

هدف سوم، ملاحظات داخلی پوتین بوده است. او توجه عموم مردم را از مشکلات وخیم تحریم‌های بین‌المللی، تنش‌های میان روسیه و اقلیت‌های قومی، تنش بین طبقه متوسط و پایین و جمعیت روستایی روسیه به جنگ معطوف کرده است. احساسات میهن‌پرستانه در میان مردم که غرور ملی را افزایش می‌دهد، به ارتش در حال نبرد کمک می‌کند. نظرسنجی‌ای که در اوایل آوریل سال ۲۰۱۶ انجام شد، (Majority of Russians Support Military... , 2016) نشان داد ۵۸ درصد شهروندان روسی معتقدند که هدف از این ماموریت نیروی هوایی روسیه در سوریه، حفاظت روسیه از تروریسم اسلامی بوده و ۲۷ درصد آنها معتقد بودند که دخالت روسیه مانع «انقلاب با کیفیت» سوریه (شبیبه به آنچه در اوکراین اتفاق افتاد) توسط ایالات متحده است. به‌طور قابل توجهی، یعنی ۶۹ درصد مردم گمان می‌کردند که نیروی هوایی روسیه، در حال حاضر به اهداف خود دست یافته است و ۸۱ درصد آنها از اعلام عقب‌نشینی روسیه از سوریه پشتیبانی می‌کردند. به‌نظر می‌رسد هنگامی که به برداشت‌های ادراکات داخلی روسیه می‌رسیم، تصویر مسکو از موفقیت، واضح می‌شود.

چهارمین هدف پنهان دخالت روسیه، نجات یک رژیم در آستانه سقوط از طریق استفاده از فشار نظامی و سیاسی بود. روس‌ها و سوری‌ها دارای سابقه طولانی همکاری هستند و روسیه منافع راهبردی در سوریه دارد: یک پایگاه در دریای مدیترانه، نفوذ در جهان عرب، بازار فروش سلاح و دسترسی فیزیکی به مرزهای دیگر کشورهای کلیدی در خاورمیانه از جمله ترکیه، عراق و اسرائیل. راهبرد او برای نجات رژیم اسد متمرکز بر ناتوان‌سازی مخالفان میانه‌رو به منظور ارایه رژیم اسد به‌عنوان تنها جایگزین مناسب برای دولت اسلامی است.

پنجمین هدف، معرفی روسیه به‌عنوان یک متحد قابل اعتماد بود. اقدامات در سوریه، پیامی واضح برای متحدان روسیه و دیگر کشورهای جهان که برخلاف ایالات متحده هدایت خود را به مبارک در مصر، عربستان سعودی، تونس، ترکیه و اسرائیل داده بودند فرستاد و در واقع روسیه متحدان خود را حمایت می‌کند.

سرانجام روسیه به دنبال جنگ با جهادگران افراطی سنی است. روسیه نگران این است که عدم

عملیات نظامی

وجود یک راه حل برای مشکلات داخلی خاورمیانه باعث حملات تروریستی دیگر در داخل خود روسیه بشود.

روسیه سومین زبان پرکاربرد، در به اصطلاح خلافت دولت اسلامی است و روس‌ها سهم نامتناسبی از دستورات زیاد دولت اسلامی را تشکیل می‌دهند. (Carroll, 2016) بنابراین، از دیدگاه روسیه، مداخله در خاک‌های خارجی با هزینه نسبتاً پایین می‌تواند از بروز مشکلات حملات تروریستی اسلامی در حال گسترش به یک حمام خون در خود روسیه جلوگیری کند.

از هزاران سرباز روسی شرکت‌کننده در عملیات سوریه، برخی از آنها سربازان جنگی بودند، اما اکثر آنها از خدمه‌های پرسنل مستقر در پایگاه نیروی دریایی در طرطوس و پایگاه نیروی هوایی خمیمیم^۱ در شمال سوریه بودند. انواع مختلفی از هواپیما (از جمله بمب افکن TU-22, TU-95, YU-160, SU-30, SU-25, SU-24) بالگردهای (KA-52-, MI-28, MI-35) و پهباد در مبارزات شرکت کردند. نیروی دریایی روسیه شرکت‌کننده در جنگ شامل ناوچه، رزم ناو، رزم ناو جنگی و حتی یک زیردریایی می‌باشد. اقدامات جاسوسی در طول مبارزات، شامل واحدهای نیروی دریایی (کشتی هوشمند وریدین برای جمع‌آوری سیگنال‌های اطلاعاتی و ارتباط اطلاعاتی)، دستگاه‌های هوا ساز (TU-214R و هواپیمای 11-20M1)، واحدهای زیرزمینی (سیستم رادار پیشرفته، سیستم جنگ الکترونیک و نیروهای ویژه) می‌باشد. روس‌ها نیز موشک‌ها و موشک‌های مدرن کروز کالیبر راه‌اندازی و سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته، نسخه نیروی دریایی این موشک S-300 و موشک‌های L3-400 را به ماموریت اعزام کرده‌اند. در بهار ۲۰۱۶، هزینه مبارزات برای روسیه ۵۰۰ الی ۶۰۰ میلیون دلار بود. (Tomkiw, 2016) در اوج حمله روسیه، ده‌ها حملات هوایی در هر روز انجام می‌شد و در مجموع، بیش از ۹۰۰۰ حمله ناگهانی هوایی انجام شد. از جمله دستاوردهای روسیه، کاهش قابل توجه قلمرو توسط شورشیان و آسیب به زیرساخت‌ها و صنعت

^۱. Khmeimim

انرژی بوده و در نتیجه سود شورشیان، از فرآورده‌های نفتی و کاهش نفت بود. با توجه به اطلاعیه دیده‌بان شوروی برای حقوق بشر، بین ماه‌های سپتامبر و مارس اعلام خروج روسیه، حدود ۴۵۰۰ نفر در طول حملات روسیه کشته شدند. از این مرگ و میرها، بیش از ۱۷۰۰ غیرنظامی بودند و ۲۰۰ تن از آنها کودک بودند. در زمان اعلام کاهش نیروهای روسی، وزیر دفاع شایگو، اعلام کرد که نیروهای روسی، بیش از ۲۰۰۰ مبارز روسی‌الاصل منطبق با گروه‌های تروریستی، از جمله ۱۷ فرمانده میدان را «حذف» کردند.

۱۲۵

به‌نوبه خود، روسیه به‌طور منظم تلفات را گزارش نمی‌کرد، اما مشخص شده است که حدود ده سرباز روسی کشته شدند. مهم‌ترین تلفات این عملیات جنگی، خلبان هواپیما بود که به ضرب گلوله توسط ارتش ترکیه، توسط نیروهای شورشی در شمال سوریه پس از بیرون آوردن از هواپیما کشته شد. علاوه بر این، بر اساس گزارش، دو مصدوم روسی در میان سربازان مبارز به‌عنوان سربازان مزدور وجود دارد، اگرچه ممکن است آنها به یکی از واحدهای مخفی روسیه در سوریه برای زمانی معین تعلق داشته باشند. دو تلفات دیگر در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۱۶ هنگامی که یک بالگرد تهاجمی به‌دلیل نقص فنی سقوط کرد، به روسیه وارد شد. (Russian Pilots Killed ..., 2016) آخرین تلفات روسیه در نهم جولای ۲۰۱۶ در نزدیکی پالمیرا بود؛ زمانی که یک بالگرد MI-25 توسط شورشیان سرنگون شد و دو خلبان آن کشته شدند.

در مقایسه با حملات هوایی مدرن در دهه اخیر (در غزه، یمن، حملات غرب بر ضد دولت اسلامی)، روسیه می‌تواند حملات هوایی خود را موفق بداند. روس‌ها اهمیت حملات گسترده مبنی بر نیروهای امنیتی با کیفیت بالا را درک کردند و به خود اجازه انجام عملیات تحت قانون‌های منع سلاح بدون هیچ خسارت و صدمات داخلی ممکن را دادند.

با این حال، درحالی که یک مبارزه هوایی می‌تواند یک دوره جنگ را تغییر دهد، دستیابی به تمام اهداف نشان شده نیاز به هم‌افزایی با نیروهای زمینی دارد. تلاش هوایی روسیه توسط حملات زمینی هماهنگ از وفاداران رژیم سوریه، نیروهای ایرانی، شبه‌نظامیان شیعی و حزب‌الله همراه بود. روس‌ها پوشش دفاعی مؤثری را در برابر حملات زمینی بر تأسیسات پایگاه نیروی دریایی در طرطوس و پایگاه هوایی لاذقیه تأسیس کردند. روسیه گزارش تخریب برخی از هواپیما و تجهیزات

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی، اسرائیل‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵

خود در پایگاه هوایی تیز^۱ در حومه حمص را تکذیب کرد. در نهایت، عملیات هوایی روسیه، تبدیل به جزر و مد در جنگ و به چند آتش‌بس و به یک روند سیاسی، در شرایطی که مخالفان با قبل از حملات هوایی موافق نبودند، تبدیل شده است. تعداد کم خسارت‌های شناخته‌شده و این حقیقت که یک خلبان روسی توسط شورشیان به طور زنده دستگیر شد، مسکو را به حفظ مطلوب جمعیت روسیه از مبارزات قادر ساخت. قیمت پرداخت شده برای هواپیمای مسافربری سرنگون شده در صحرای سینا به طور مستقیم با جنگ سوریه مرتبط نیست و روس‌ها آن را بیشتر به‌عنوان توجیهی برای مداخله نظامی و نه به‌عنوان قیمت متحمل شده، معرفی کرده‌اند.

دستاوردها و شکست‌ها در طول مبارزات

پس از ماه‌ها مبارزه روس‌ها، بررسی دستاوردهای مداخله روسیه ضروری است. نخست، عمل پرخاشگرانه روسیه به‌وضوح موقعیت آن را به‌عنوان عنصر کلیدی آینده سوریه قرار می‌دهد، تحمیل هر دو تحولات در عرصه نظامی و سیاسی در صحنه جهانی، روس‌ها به مرکز صحنه بازگشته‌اند و موقعیت خود را به‌عنوان یک نیروی مهم در سیاست بین‌المللی تغییر داده‌اند که می‌تواند به حل اختلافات جدی در سراسر جهان کمک کند. به طوری که پوتین اعلام کرده تلاش‌های روسیه در مبارزه با تروریسم بین‌المللی به روسیه در بهبود رابطه‌اش با قدرت‌های جهان پیشرو کمک کرده است. (Birnbau, 2016) دوم، قالب عملیات روسی، که با اقدامات نظامی و دیپلماتیک ادغام شده بود، ثابت کرد که استفاده صحیح از نیروی نظامی می‌تواند ابزار مؤثری برای شروع از آغاز فرآیند سیاسی متوقف شده باشد. سوم، روسیه رژیم علوی را در برابر از دست دادن جایگاهش نجات داد و در نتیجه پیامی به هر دو متحد فعلی و بالقوه که شریک قابل اعتمادی هستند و اینکه در زمان نیاز برای نجات می‌آید، ارسال کردند. علاوه بر این، با تمایل آنها برای مصالحه با بشار اسد در آینده و نه با رژیم، روس‌ها به دیگر بازیکنان که آماده مصالحه با غرب در مورد مسائل دیگر هستند اشاره می‌کنند.

^۱. Tias

اعلام «عقب‌نشینی» روسیه آرمان‌های اسد را کاهش داد، اگرچه این اطلاعیه تعدادی از پیروزی‌های چشمگیر نیروهای اسد را بر روی زمین با حمایت روسیه و سخت‌گردانی رییس‌جمهور سوریه از مواضع خود در مذاکرات تا نیروهای مخالف سوری را دنبال می‌کرد. با این وجود، با ترک نیروی نظامی در سوریه، روسیه روشن ساخته است که قدرت جلوگیری از هرگونه تشدید آینده توسط نیروهای شورشی را دارد. روس‌ها نیرویی را تشکیل داده‌اند که بر اساس توازن قدرت و درک اینکه هیچ سمتی به اندازه کافی برای غلبه بر دیگران در میدان جنگ قوی نیست، آرایش یافته است. در بعد نظامی، روس‌ها ثابت کرده‌اند ارتش مدرن و قابلیت‌های عملیاتی و فنی بسیار خوبی دارند. دولت، توپخانه و سیستم‌های سلاح روسیه، آزمایش شده‌اند و برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نمایشی از آرایه وسیعی از سیستم عامل‌های سلاح روسی به‌عنوان تبلیغات فروش برای صنایع نظامی روسیه که برای میلیون‌ها شهروند را می‌تواند در آینده به‌کار بگیرد، به‌عنوان یک منبع سودآور ارز از قراردادهای تسلیحاتی آینده در خدمت قرار می‌دهد. علاوه بر این، ارتش روسیه، تجربه مبارزات در شرایط بحرانی را به دست آورد. سرانجام، پس از سال‌ها فرسایش تمام، روسیه موقعیت خود را به‌عنوان یک کشور قدرتمند با قدرت نظامی قابل توجه و پس از آن در یک زمان تنش میان روسیه و همسایگان خود در اتحادیه اروپا و ناتو تقویت کرد.

در کنار بسیاری از دستاوردها، مناطقی که در آن روس‌ها موفق به دستیابی به اهداف راهبردی‌شان نشده‌اند، وجود دارد. اولین و مهم‌ترین تلاش روسیه منجر به راه حل یا ثبات نمی‌شود: آتش‌بس ناتمام است و جنگ همچنان مدعی خسارت‌هایی است (از جمله صدها نفر از کشته‌شدگان غیرنظامی، پیش از اعلام آتش‌بس). کمک‌های بشردوستانه به صدها هزار سوری قطع شده و کمک‌هایی که موفق به دریافت نیروهای نظامی سوریه شوند، غارت شده است. در سطح راهبردی، اکثر دستاوردهای روسیه در طول جنگ داخلی سوریه، کوتاه‌مدت و پیروزی‌های روانی هستند. جنگ روسیه قاطعانه به تخریب سوریه و زیرساخت‌های آن کمک کرده است. تلاش و منابعی که در آینده برای بازسازی سوریه در پایان جنگ نیاز خواهد بود، دشوار است. علاوه بر آن، روسیه به طور قابل توجهی به افزایش شمار پناهندگان سوری و مردم آواره، منابع انسانی که برای بازسازی سوریه در آینده بسیار مهم هستند، کمک کرده است.

ماموریت انجام شد؟

پس از اینکه روس‌ها در این دوره از جنگ سوریه، وضعیت خود را به‌عنوان یک قدرت جهانی تغییر دادند، نشان داد که اهمیت آنها در خاورمیانه از ایالات متحده پایین‌تر نیست و با آزمایش‌هایی که در زمینه سیستم‌های سلاح‌های جدید انجام داد، به مرحله بعد منتقل شد. بار دیگر آنها جامعه بین‌المللی را در مارس ۲۰۱۶ با اعلام خروج فوری بخشی از نیروهای نظامی خود از سوریه شگفت زده کردند (در همان سبکی که افزایش مشارکت خود را در سوریه شش ماه قبل اعلام کردند). پوتین تصمیم گرفت که به حداکثر موفقیت دست یابد و خطرات اضافی و هزینه‌های جنگ می‌توانست این دستاوردها را به‌خطر بیندازد. با این حال، و با وجود اعلام خروج نیروهای روسیه از سوریه، به‌نظر می‌رسد آنچه در حال وقوع است، بیشتر از یک چرخش و تنظیم نیروهای مطابق با ماهیت در حال تغییر جنگ نسبت به پایان عملیات روسیه در سوریه است. یک سوم (Birnbau, 2016) هواپیماهای مستقر در سوریه به خاک روسیه بازگشتند و با هیاهوی بسیار مورد استقبال قرار گرفتند. اینها جایگزین بالگردهای تهاجمی که با حمایت حملات زمینی سازگار هستند (بالگردهای ka-52, mi-28, mi-35) شدند. بالگردها در پایگاه نزدیک به جبهه نبرد به‌منظور به حداکثر رساندن زمان مبارزه خود و کوتاه کردن زمان سفر برای ارایه پشتیبانی هوایی به نبردهای زمینی، اعزام شدند. (Gibbons-Neff, 2016) علاوه بر این، نیروهای روسی در حال کمک به ارتش سوریه، و نیروهای ائتلاف جنگ در کنار نیروهای زمینی هستند. نیروهای روسی در به دست آوردن کنترل مجدد سراسر شهر پالمیرا کمک کردند و نیروهای مهندسی روسی حتی برای پاک‌سازی منطقه از مین‌های زمینی و مواد منفجره در سایت با عقب‌نشینی نیروهای دولت اسلامی عکس می‌گرفتند. (Russian Presence Speeding up..., 2016)

رسانه‌های روسی گزارش کردند که روسیه دو گردان (حدود ۸۰۰ سرباز) و همچنین سیستم دفاع هوایی S-400 در خاک سوریه به منظور محافظت از ماموران روسی را حفظ خواهد کرد. علاوه بر این، گزارش‌هایی مبنی بر اینکه کشتی‌های روسی از تنگه بسفر در مسیر خود به سوریه عبور کرده‌اند، وجود داشت. (Tsvetkova, 2016) اظهارات مقامات ارشد روسیه، این نقطه مربوط به آینده نیروهای روسیه در سوریه را هم در رابطه با نیروهای امنیتی و نیروهای تهاجمی و حتی

ادامه استقرار خود، تقویت کرد. در این میان، فرمانده ارتش روسیه، سرگئی ایوانف در ماه مارس بیان داشت که روسیه اقدام به حفظ امنیت سربازان باقیمانده خود در سوریه کرده است. معاون وزیر دفاع، پانکو، شرح داد که نیروهای روسی به حملات خود علیه اهداف تروریستی ادامه خواهد داد. در مصاحبه‌ای با مجله تایمز، نخست‌وزیر مدودف گفت روسیه قصد ندارد عملیات خود را تا زمانی که متحد روسیه در دمشق قادر به حفظ صلح در شرایط مناسب باشد، متوقف کند.

این حرکت برای پایان دادن به مداخله نظامی خود در خیابان‌های روسیه مورد انتقاد قرار نگرفت و حفظ نیروهای خود را در سوریه با ادامه نفوذ روسیه با اتفاقاتی که در سوریه می‌افتد، تضمین و از وضعیت‌هایی که جنگ دوباره باعث تغییر وضعیت شود، جلوگیری می‌کند. خروج بخشی از نیروها، پیام روشنی به اسد داد و آن این است که روسیه در سوریه برای مدت طولانی در شرایط فعلی باقی نخواهد ماند و اینکه به هیچ وجه قصد مبارزه نامحدود با حاکم علوی را حتی تا زمان دستیابی به پیروزی قاطع در میدان جنگ، ندارد. هدف این بیانیه روشن در مورد محدودیت‌های مداخله روسیه و حتی در مورد اهداف جنگ، اسد را در مذاکره با شورشیان نرم و او را به سازش در مورد آینده سوریه تشویق کرد.

روسیه و جهان سنی (اهل سنت)

اتحاد مسکو با ایران و حزب‌الله که کمک‌هایش به رژیم اسد منجر به تقویت محور شیعه می‌شود، انتظار می‌رود به روابط روسیه با جهان سنی و عرب آسیب برساند. با این حال، با استفاده از تمام طیف‌های ابزار سیاست خارجی مثبت و منفی در اختیار او و در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه، روسیه بسیار ماهرانه در اطراف بسیاری از کشورهای سنی به‌خصوص عربستان سعودی، مصر و ترکیه مانور داده است. درحالی که روسیه و عربستان سعودی در سمت مخالف شکاف در موضوع آینده اسد و روابطش با ایران قرار گرفته‌اند، منافع هر دو کشور در زمینه انرژی، صادرات سیستم‌های تسلیحاتی و حمایت‌های بیشتر قدرت‌های جهانی که سعودی‌ها به دنبال آن هستند، برای اعتماد به امریکا کاهش یافته است. در این زمینه، بازدید وزیر دفاع عربستان از روسیه و روابط نزدیک او با رهبر روسیه منجر به تلاش برای رهبری توافقات چند جزئی انرژی برای توقف

تولید نفت، و حتی امکان همکاری روسیه و عربستان سعودی در انرژی هسته‌ای غیرنظامی در آینده می‌شود. در ارتباط با مصر، گرم شدن روابط روسیه و مصر، شامل معاملات انرژی هسته‌ای غیرنظامی و همچنین معاملات عمده اسلحه می‌شود.

در حالی که روسیه برای روابط گرم با عربستان سعودی تلاش می‌کند، ترکیه خود را در تقابل مستقیم با مسکو می‌داند. سقوط یک فروند هواپیمای روسی SU-24 در نوامبر ۲۰۱۵ نزدیک مرز سوریه - ترکیه، در ترکیه شکاف فزاینده میان مسکو و آنکارا را تشدید کرد. این حادثه که روس‌ها به‌عنوان تحریک بین‌المللی توسط ترکیه درک کردند، باعث واکنش تهاجمی و سریع روسیه شد. مسکو اقدامات خود علیه ترکیه را به‌ویژه در بعد اقتصادی و هزینه اقدامات روسیه در برابر ترکیه را تا به امروز از نظر کشاورزی، توریسم و انرژی که بیش از ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است، افزایش داد. در بیانیه‌های مختلف عمومی، وزیر امور خارجه روسیه، لاوروف، شعارهای خود علیه ترکیه را با اتهامات ارتش ترکیه راجع به عبور به خاک سوریه، بمب‌گذاری مناطق غیرنظامی ترکیه فراتر از مرزها، ساختمان مناطق پیش‌گیری امنیتی در جنوب ترکیه و جنگجویان خارجی از طریق مرز شمالی سوریه را افزایش داد.

سرنگونی هواپیمای روسی، روس‌ها را در تقویت روابط خود با گروه‌های کرد در سوریه تحت فشار قرار داد. از نوامبر، روسیه از نیروهای کُرد به‌منظور پیشبرد اهداف خود، تحریک ترکیه و تضعیف نفوذ ترکیه در آینده سوریه حمایت کرده است. در این میان، لاوروف بارها اعلام کرده که گنجاندن کردها در مذاکرات در مورد آینده سوریه برای تثبیت آینده سوریه ضروری است و از سازمان ملل خواسته است که در برابر «دیکتاتورهای خارجی» (ترکیه) در مورد گنجاندن نمایندگان کرد در این مذاکرات، تسلیم نشود. دمیتری پسونکوف، مدیر مطبوعاتی کاخ کرملین، نیز این نکته را برجسته کرد و گفت: «این مذاکرات باید فراگیر باشد... از جمله کردها، برای یافتن یک راه حل واقعا ماندگار و برای فعال‌سازی سوری‌ها برای تصمیم‌گیری راجع به سرنوشت خود.»

به‌نظر می‌رسد فشار روسیه بر ترکیه موفقیت‌آمیز بوده است. با گذشت زمان، روابط میان دو کشور گرم شده و تلاش‌هایی برای کاهش تنش انجام شده است. رسانه‌های روسی گزارش کرده‌اند که رییس‌جمهور ترکیه، اردوغان، نامه عذرخواهی بابت این اتفاق فرستاده است و روس‌ها از وزیر امور خارجه ترکیه برای شرکت در نشست سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه در سوچی

دعوت‌نامه رسمی ارسال کرده‌اند که پذیرفته شد. چند روز بعد، رهبران هر دو کشور با یکدیگر به‌طور مستقیم صحبت کردند. (Putin's Phone Talks..., 2016)

به‌طور خلاصه، استفاده روسیه از ابزار مثبت (هم سخت مانند معاملات سلاح و هم آسان مثل تقویت روابط دیپلماتیک) و ابزار منفی (مانند فشار اقتصادی و سیاسی) کشورهای خاورمیانه را در جهت مسکو تحت فشار قرار داده است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد روسیه در مسیری است که منجر به گسترش مطلوب روابط خود با همه کشورهای کلیدی در منطقه خاورمیانه و کاهش آسیب‌های ناشی از تصویر خود به عنوان متحد ایران و یکی از دوست‌داران رژیم اسد می‌شود.

روسیه در برابر ایالات متحده و غرب

ایالات متحده و اروپا، روسیه را در آغاز مداخله نظامی خود محکوم کردند و رییس‌جمهور اوپاما پیش‌بینی کرد که مسکو به‌زودی در باتلاق سوریه فرو خواهد رفت. با این حال، پس از موفقیت تاکتیکی روس‌ها و درک اینکه به اهداف خود در کوتاه‌مدت دست یافته‌اند، آمریکایی‌ها در موفقیت روسیه برای بهبود اهدافشان در برابر دولت اسلامی و رسیدن به سازوکاری که جنگ داخلی و تراژدی انسانی در سوریه را پایان خواهد داد، نفوذ کردند. هماهنگی زمینی و هوایی مؤثر به‌دست آمد و مذاکرات در سطح وزیران امور خارجه آغاز شد که در طی آن مشخص شد این قطعنامه از جنگ داخلی سوریه ممکن است در دسترس باشد.

با این وجود، شکاف میان قدرت‌های جهانی هنوز هم زیاد است. ایالات متحده، تحریم‌های مربوط به اوکراین را حتی پس از اینکه کشورها در موضوع سوریه به یکدیگر نزدیک‌تر شدند و گفت‌وگوی دوجانبه بی‌اساس، به روسیه واگذار کرده است (انتظار می‌رود که اروپا به‌زودی تحریم‌های خود را گسترش دهد). با این وجود، روسیه در تلاش است که نشان دهد به‌دنبال یک نقطه انحراف دیپلماتیک است و تلاش می‌کند با توجه به موافقت ایالات متحده کار کند. رسانه‌های روسی مرتباً گزارش می‌دهند که لاوروف، وزیر امور خارجه، با همتای آمریکایی خود در تماس است و آنها طرح‌هایی برای عملیات مشترک زمینی میان نیروهای روسی و آمریکایی در سوریه دارند. (Lavrov, Kerry Discuss..., 2016)

آنچه در پیش نهفته است

پیچیدگی درگیری‌ها در سوریه که فرآیندهای پیچیده و موازی با ضدضربه‌های مشکل‌ساز در جریان هستند، آشکار است که از یک سو، آتش‌بس ظاهراً وجود دارد و از سوی دیگر، جنگ علیه دولت اسلامی و جبهه النصره همچنان ادامه دارد. هم‌زمان، تلاش برای رسیدن به یک توافق سیاسی را از طریق مذاکرات سیاسی چندجانبه ادامه می‌دهد. البته این مذاکرات، سست و بدون اعتماد متقابل است. کردها مبارزات خود را برای استقلال ادامه می‌دهند. ایران، ترکیه، عربستان سعودی و همچنین قدرت‌های جهانی در اختلاف بر سر مداخله مستقیم و غیرمستقیم درگیر هستند. برخلاف این مفهوم، تجزیه و تحلیل چگونگی توسعه حوادث در سوریه ضروری است، درحالی‌که شناسایی مشکلات در پایان دادن جنگ داخلی و سازوکاری که توان تسهیل کشور را داشته باشد، لازم است.

مشکل اصلی با آتش‌بس این است که دولت اسلامی و جبهه النصره بخشی از موافقت‌نامه نیستند و بنابراین جنگ علیه آنها همچنان ادامه دارد. در واقع تمایز میان مناطق آتش‌بس و مناطقی که مبارزه همچنان ادامه دارد، رژیم سوریه، ایران، و روسیه را قادر به ادامه مبارزه می‌کند و باعث بسیاری از خسارت‌ها میان غیرنظامیان و نیروهای مخالف موجود در آتش‌بس می‌شود.

(Perry, Tom and Suleiman, 2016)

در مذاکرات صلح ژنو، رژیم اسد با توجه به دستاوردهای مبارزاتی‌اش که منجر به درگیری روسیه با درخواست حذف اسد از مسئولیتش شده، اعتماد به نفس خود را افزایش داده است. مذاکرات، حملات مداوم رژیم بر نیروهای مخالف را - که مانع قابل توجهی برای هرگونه پیشرفتی که شامل آتش‌بس می‌شد- مطرح کرد. علاوه بر این، از جمله موضوعات حل نشده، اختلافات اساسی است راجع به اینکه چه کسی باید در این مذاکرات و آینده اسد و رژیم بعثی شرکت کند. درحالی‌که همه کشورها توافق دارند که دولت اسلامی باید به عنوان حزب در مذاکرات شرکت نکند، دیگر نیروهای اپوزیسیون، به عنوان مثال نیروهای سوری و کرد، هنوز در حال نزاع هستند. هم ایالات متحده و هم روسیه، نیروهای کردی مبارز علیه دولت اسلامی را حمایت می‌کنند و بر گنجاندن آنها در مذاکرات صلح اصرار دارند. با این حال، ترکیه که دارای سابقه پیچیده

با اقلیت کرد در مرزهای خود و با کردها در سوریه و عراق است، نمی‌خواهد ببیند که کردها برای بخش مشروع آینده سوریه در نظر گرفته شده‌اند.

یکی دیگر از نقاط اختلاف، ساختار حکومتی و سرزمینی پس از جنگ سوریه است. در فوریه ۲۰۱۶، روس‌ها در شرق به تقسیم طرفداران متحد سوریه در مرزهای فعلی خود به‌عنوان پیش‌شرط هرگونه راه حل آینده مخالف بودند و با اظهار نظر علنی بر اصل اقدامات آینده موافق نبودند. پس از آن، روس‌ها تمایل به پذیرفتن فدرال سوریه به‌عنوان راه حل آینده دارند. آنها یک راه حل پیدا کردند که رژیم‌هایی که با آنها دوست است را حفظ می‌کند، اما می‌تواند باعث حذف اسد از منصبش به عنوان یک امتیاز برای خواسته‌های ایالات متحده شود.

حتی اگر به نظر برسد که تمام قدرت‌ها در این بازی، علاقه به آتش‌بس و ترویج فرآیند سیاسی برای محدود کردن شکاف بین آنها دارند، حملات مداوم رژیم سوریه و متحدانش علیه جناح میانه‌رو، به احتمال زیاد در نهایت به فروپاشی هم آتش‌بس و هم مذاکرات صلح ژنو منجر می‌شود. در این میان، نماینده شورشیان میانه‌رو، محمد علوش اعلام کرد که از مذاکرات به دلیل شکست‌شان - از نظر او - استعفا می‌دهد. (Syria Negotiator Alloush... 2016)

همان‌طور که برای دولت اسلامی این چنین است، همه قدرت‌ها همچنان مبارزه علیه این سازمان را ادامه می‌دهند. در حالی که روسیه حضور هوایی خود را کاهش داده است، ایالات متحده بمبافکن‌های سنگین B-5E خود را به منطقه اعزام و نیروهای ویژه‌اش را در منطقه‌اش مستقر کرده (Pawlyk, 2016) و به موازات آن به حملات هوایی مداوم و غلبه مجدد مناطق تحت کنترل شورشیان توسط ارتش سوریه و متحدانش کمک کرده است. علاوه بر این، دولت اسلامی خود را به‌طور پیوسته در حال ستیز با ارتش رو به رشد، مشکلات مربوط به حکومت و اقتصاد که در حال صدمه زدن به سازمان‌ها، و مانع پیشرفت آن و حتی باعث عقب‌نشینی رقیب است، می‌بیند.

با این وجود و به‌رغم اطلاعیه نیروهای مبارز علیه آنها، دولت اسلامی می‌داند که غرب و حتی روسیه برای ارسال نیروهای زمینی علیه آنها آماده نیستند و حتی رژیم‌های سنی مانند ترکیه و عربستان سعودی برای ارسال نیروهای زمینی به رقه پایتخت آزاد دولت اسلامی سوریه، عجله نمی‌کنند. دولت اسلامی در تلاش است تا با شکست خود در سوریه و عراق، با اجرای حملات

تروریستی در اروپا و با تغییر بخش قابل توجهی از عملیات خود به لیبی، مقابله کند. اعلامیه رییس‌جمهور اوباما که دولت اسلامی در ماه‌های باقیمانده رییس‌جمهوری‌اش شکست نخواهد خورد و موقعیت قاطعانه خود را که سربازان امریکایی به سوریه فرستاده نخواهند شد، به دولت اسلامی اجازه نفس کشیدن می‌دهد.

آینده رژیم اسد، موضوع اصلی در سر حوزه باقی مانده است؛ در داخل سوریه، در خاورمیانه که در آن ایران و حزب‌الله در حال مبارزه با عربستان سعودی و ترکیه هستند و بین قدرت‌های جهانی در اختلافات میان روسیه و ایالات متحده است. تنها در صورتی که روسیه تصمیم بگیرد زمان آن فرا رسیده که اسد از منصب خود حذف شود (در حمایت از مخالفان یا در ازای کمک هزینه در اوکراین از سوی غرب)، هنگامی که از سیستم‌های کشوری و علویان حفاظت شود، و تنها در صورتی که رضایت ایران را به‌دست آورد، فرصت پایان دادن به این جنگ داخلی وجود خواهد داشت. در این مثال، دو موضوع اصلی همچنان وجود دارند: نبرد در برابر دولت اسلامی و مسئله کردها. این واقعیت که ایالات متحده و روسیه منافع خود را بر این دو موضوع به اشتراک گذاشته‌اند، امیدی است که اگر مشکل حذف اسد از منصب حل شود، راه رسیدن به راه حل آسان‌تر خواهد شد.

پیشبرد منافع اسرائیل

در طول جنگ داخلی در سوریه، اسرائیل تلاش کرده است تا جایی که ممکن است خارج از مبارزه باقی بماند. همین‌طور رسماً از حمایت از هر یک از دو طرف خودداری کرد و حتی نظری راجع به راه حل بهتر نداد. سیاست اسرائیل در این زمینه، محدود به منابع آتش سوریه، کمک‌های انسان‌دوستانه و انکار تلاش حزب‌الله برای تقویت زرادخانه خود با سلاح‌های پیشرفته برای آتش‌های تلافی‌جویانه بود.

پس از افزایش دخالت روسیه و تغییر آن به پرواز مستقیم هوایی، اسرائیل به‌شدت احتیاط کرد تا از هر هواپیمای جنگنده روسی به دور باشد و زمان قدرت شلیک روس‌ها و سیستم‌های دفاعی پیچیده هوایی‌شان را حساب کرد. نتانیا‌هو، نخست‌وزیر، همراه با رییس ارتش اسرائیل در طی سفر

خود به روسیه، پایه‌ای برای مکانیسم تضاد تاکتیکی، خطوط قرمز آشکار هر دو و شاید حتی درک راهبردی درباره آینده سوریه در آغاز وضع کرد. به سهم خود، روس‌ها آشکارا اعلام کردند که درک عمیقی از منافع اسرائیل در سوریه دارند و اقدامات آینده روسیه، امنیت اسرائیل را به مخاطره نمی‌اندازد.

مداخله روسیه در سوریه چند پیامد مطلوب برای اسرائیل داشت: اول، روسیه به تثبیت وضعیت در سوریه و برنامه‌های آینده در کشور کمک کرده است. اسرائیل با ملاحظه، ترجیح می‌دهد ثبات و مرزبندی روشن از مرزهای خود داشته باشد. روسیه می‌تواند به عنوان یک میانجیگر میان اسرائیل و اردوگاه شیعه در صورت لزوم خدمت کند و حتی می‌تواند فشار را بر این اردوگاه بگذارد، در صورتی که اسرائیل در متقاعد کردن روس‌ها موفق نشود؛ دوم، همکاری با روسیه، حضور اسرائیل را به عنوان عنصر قابل اعتماد و پایدار در منطقه اثبات می‌کند. سوم، تفاهات تاکتیکی با روسیه، بنیاد بسیار عالی برای ایجاد یک رابطه در سطح راهبردی میان این دو است؛ و در نهایت، به نظر می‌رسد که حضور روسیه و تقویت پایگاه شیعه به‌طور غیرمستقیم به افزایش همکاری میان اسرائیل و کشورهای سنی در منطقه به رهبری عربستان سعودی کمک می‌کند.

از سوی دیگر، راه‌کار روسیه به‌طور بالقوه می‌توانست پیامدهای راهبردی بسیار منفی برای اسرائیل داشته باشد. مداخله روسیه به تقویت محور شیعه افراطی با موقعیت مشکل‌ساز آن نزدیک مرزهای اسرائیل منجر شده است. تقویت محور ایران و حزب‌الله در سوریه، بازگشت آن به یک نیروی غالب در سوریه، استفاده از تجهیزات پیشرفته، تجهیزات با کیفیت بالا، کیفیت اطلاعات بالا در مورد اسرائیل در اختیار محور و بهبود قابلیت‌های مبارزاتی حزب‌الله می‌تواند امنیت اسرائیل را در آینده به خطر اندازد. احتمال بالای حضور ایران و حزب‌الله در بلندی‌های جولان توسعه منفی راهبردی برای اسرائیل است.

علاوه بر این، دخالت روسیه در جنگ، سیستم‌های نظامی پیشرفته‌ای را به این عرصه معرفی کرده است. حداقل برخی از آنها به احتمال زیاد در داخل سوریه پس از جنگ باقی خواهند ماند و سیستم‌های نظامی را علیه اسرائیل پیوند خواهند داد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که تجربیات آموزشی، آموزه‌ها و تجربیات عملیاتی روس نه تنها به ارتش سوریه بلکه به دیگر نیروهای جنگجوی

کنار اسد، از جمله حزب‌الله رسیده است و در نتیجه، حزب‌الله در ارتقاء قابلیت‌های فرماندهی و کنترل آن، توانایی خود در به‌کارگیری نیروها بر مقیاس قابل توجه بیش از پیش و قابلیت‌های متجاوزانه‌اش موفق شده است. (همان‌طور که در ارزیابی تاریخ راهبردی مخالف خود، با موضع دفاعی در برابر اسرائیل مواجه شد.)

تجهیزات جنگی پیشرفته به‌دست آمده توسط حزب‌الله، همراه با تجربه مبارزه با سازمان شیعه که به دست آمده است با افزایش خطراتی که اسرائیل می‌تواند در طول دور بعدی جنگ در جبهه شمالی انتظار داشته باشد، روبه‌رو خواهند شد. در این زمینه، اسرائیل باید برای بهبود موضع راهبردی خود چه کند؟ اول، رابطه راهبردی جعلی با روسیه باید بیشتر شود و اینکه روسیه، نقشه منافع اسرائیل و خطوط قرمز در رابطه با لبنان و سوریه را تشخیص دهد. همان‌طور که آن به طرح آینده سوریه کمک می‌کند، روسیه باید موقعیت اسرائیل در مورد بلندی‌های جولان را به حساب آورد و از حزب‌الله برای بازکردن یک جبهه اضافی در جنوب سوریه و نفوذ ایران در سوریه جلوگیری کند. دوم، اسرائیل باید تاکید کند که اقدامات نظامی هنگام تهدید منافعش و به‌طور عمده مسائل مربوط به انتقال سلاح با کیفیت به حزب‌الله، استقرار نیروهای دشمن در بلندی‌های جولان و فعالیت‌های مربوط به سلاح‌های نامتعارف، ادامه خواهد داشت. سوم، اسرائیل باید درک خود را با عربستان سعودی و ترکیه راجع به آینده سوریه و اقدامات پیش‌گیرانه برای تقویت جناح سنی در سوریه روشن سازد. چهارم، اسرائیل می‌تواند در رابطه جعلی با روسیه برای تشویق خویشتن‌داری روسیه از حزب‌الله نفوذ کند که این می‌تواند شانس بی‌ثباتی تاکتیک‌ها را توسط حزب‌الله در آینده کاهش دهد. در نهایت، اسرائیل باید در مورد مسائل اخلاقی بیشتر به گوش دیگران برساند: نسل‌کشی در سوریه، در درجه اول توسط رژیم اسد ایجاد می‌شود اما با حمایت از متحدان او. اسرائیل باید برای تقویت نسل‌کشی اقدامات بیشتری انجام دهد و می‌تواند آن را از طریق اقدامات بشردوستانه و متجاوزانه با کشورهای عرب و مسلمان مانند ترکیه، عربستان سعودی، مصر و اردن که در صورت لزوم با آنها در ارتباط است، انجام دهد.

اقدامات امکان‌پذیر اسرائیل باید شامل مواردی از جمله، کمک اطلاعاتی به دادگاه جنایی بین‌المللی در جرایم جنگی مهم، مرتکب توسط رژیم اسد و حامیان او در آینده باشد. اسرائیل باید

با تلاش برای دستیابی به راه حلی که بشار اسد را جایگزین کند و حضور حزب‌الله و ایران در سوریه را به حداقل برساند، تمام عناصر بین‌المللی (هم سیاسی و هم فوق سیاسی) را تقویت کند. اسرائیل می‌تواند نقش فعالی در نزدیکی مرز به منظور اطمینان از کنترل منطقه ایفا کند. فراتر از این اقدامات، اسرائیل باید بسیار بیشتر در تمام جنبه‌های مربوط به کمک‌های بشردوستانه به مردم غیرنظامی در سوریه از طریق محموله‌های مواد غذایی و دیگر کمک‌های انسان‌دوستانه از طریق مراقبت‌های پزشکی و مجروحان زخمی در طول جنگ، کمک کند.

۱۳۷

تقویت گروه‌های شیعه افراطی در مرز شمالی خواستار این است که اسرائیل، به‌طور مداوم با راهبرد دفاعی خود در مورد این مجموعه، جبهه شمالی فعال که با سال‌های پیشین متفاوت است، به‌ویژه حضور قوی روسیه، به روزرسانی کند.

1. Bimbaum, Michael(12 April 2016), "Weeks after 'Pullout' from Syria, Russian Military is as busy as ever," *Washington Post*, https://www.washingtonpost.com/world/europe/weeks-after-pullout-from-syria-russian-military-is-as-busy-as-ever/2016/04/11/d150a004-fd77-11e5-a569-2c9e819c14e4_story.html.
2. Carroll, Oliver(31 May 2016) "Cracking Down on Russia's Caliphate," *Foreign Policy*, <http://foreignpolicy.com/2016/05/31/cracking-down-on-russiascaliphate-islamic-state>.
3. Galeotti, Mark and Jonathan Spyer (22 September 2105), "Russia to Defend Core Syrian Government Areas," *IHS Jane's Intelligence Review*, <http://www.janes.com/article/54732/russia-to-defend-core-syriangovernment-areas>.
4. Gibbons-Neff, Thomas(12 April 2016), "This is the Advanced Russian Helicopter that Just Crashed in Syria," *Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/04/12/this-is-theadvanced-russian-helicopter-that-just-crashed-in-syria/>.
5. "Lavrov, Kerry Discuss Joint Operations against Violators of Syrian Truce," *Sputnik*, 29 May 2016, <http://sputniknews.com/politics/20160529/1040449001/lavrov-kerry-syria.html>.
6. "Majority of Russians Support Military Withdrawal from Syria Poll,"(4 April 2016), *Moscow Times*, <http://www.themoscowtimes.com/news/article/majority-of-russians-support-military-withdrawal-from-syria---poll/564680.html>.
7. Pawlyk, Oriana(7 March 2016) "The B-52 Could Rise Again, this Time to Fight ISIS," *Air Force Times*, <http://www.airforcetimes.com/story/military/2016/03/04/b52-stratofortress-isis/81318630/>.
8. Perry, Tom and Suleiman al-Khalidi(31 May 2016), "Death Toll from Russian Air Strikes in Idlib Climbs to 23: Monitor," *Reuters*, <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-idlib-toll-idUSKCN0YM0GO>.
9. "Putin's Phone Talks with Erdogan Underway – Kremlin," *Sputnik*, 29 June 2016, <http://sputniknews.com/politics/20160629/1042134871/putin Erdogan-talks.html>.
10. "Russian Pilots Killed in Syria Chopper Crash," *Deutsche Welle*, April 14, 2016, <http://www.dw.com/en/russian-pilots-killed-in-syria-choppercrash/a-19180330>.
11. "Russian Presence Speeding up Peace Process: Syrian Minister," *Press TV*, April 10, 2016, <http://www.presstv.ir/Detail/2016/04/10/459968/russia-airforce-syria-peace-process>.
12. "Syria Negotiator Alloush Quits over Failure of UN Talks," *al-Jazeera*, 30 May 2016, <http://www.aljazeera.com/news/2016/05/syria-rebels-recapturealeppo-villages-isil160529201149567.html>.
13. Tomkiw, Lydia(14 March 2016), "How Much has the Syrian Civil War Cost Russia and the US?" *IBT*, <http://www.ibtimes.com/how-much-has-syriancivil-war-cost-russia-us-2336199>.
14. Tsvetkova, Maria(30 March 2016), "Exclusive: Russia, Despite Draw Down, Shipping More to Syria than Removing," *Reuters*, , <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-russia-supplies-idUSKCN0WW0DJ>.